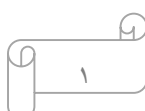


کسوت آرایه های ادبی

استاد علی معینی

مخصوص همه رشته ها



۱- دوستای عزیزم توجه داشته باشن که تمامی جاهای خالی که برای جزوه در نظر گرفته شده حساب شده هستش و قرار هست که نکته هایی توش نوشته بشه.

۲- نکته دوم اینکه هرگونه کپی برداری و استفاده از تکنیک های جزوه شرعا و اخلاقا حرام هستش و مطمئن هستم که همه ی شما عزیزان دلم امانت دار های خوبی در جهت حفظ جزوه خودتون هستید، چراکه این محتوا نتیجه ی سالها زحمت بنده در عرصه ی آموزش و همچنین روزها زحمت همکاران عزیزم در جهت جمع آوری این محتوای ارزشمند هستش که تونسته باشیم در حد توانمون جهت رشد عدالت آموزشی کشورمون، این محتوا رو با کمترین هزینه در اختیار تمامی دانش آموزان کشور و دانش آموزان ایرانی مقیم خارج از کشور (کسانی که میخوان کنکور خارج از کشور شرکت کنن) قرار بدیم. ان شاءالله که سر جلسه کنکور بنده حقیر و همکاران عزیزم رو دعا بفرماید. از ته قلبم برای تک تکتون آرزوی موفقیت و سربلندی می کنم.

یا حق

عمید شینی بودجه بندی سوالات کنکور

معنی واژه: ۳

املا: ۳

تاریخ ادبیات: ۱

آرایه های ادبی: ۴

زبان فارسی: ۵

قرابت معنایی: ۹

به یاری خدا میریم که آرایه ها رو با فای یکسان کنیم

آرایه های ادبی چه؟

همون لوازم آرایشی فودمونه که برای زیباکردن ادبیات ازش استفاده می کنیم.

یه کلام.... میکاپ کردن ادبیات رو بهش میگن آرایه های ادبی

- مسین زیباست

مسین مانند گل می ماند (آرایه ی تشبیه)

- معشوقه بیا

ماه من بیا (آرایه ی استعراهِه)

تناقض، متناقض، متناقض نما، پارادوکس، Paradox

درسنامه ی فودمونی

اگر ۲ تا چیز با هم دیگه تداخل داشته باشن و یک عمل غیرعقلانی رو به وجود بیارن، تناقض داریم.

فریاد بی صدا / آتش سرد / پیدای پنهان

فرق تضاد با تناقض:

تضاد: زشت یا زیبا / دیوانه و عاقل

تناقض: زشت زیبا / دیوانه ی عاقل

مثال های بیشتر

فریاد بی صدا / آتش سرد / پیدای پنهان / دیوانه ی عاقل / آواز فاموشی / رندان پارسا / دولت فقر

هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای

من در میان جمع و دم جای دگر است

نکته ۱

جمع تفرقه

مجموع آشفتگی

جمعیت
(آسودگی) پریشانی

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم (تناقض دارد)

ابرگاه از باد جمع و که پریشان می شود (تناقض ندارد) (کنکور سراسری)

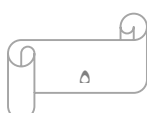
نکته ۲

۱- در تناقض ما به ظاهر نگاه می کنیم

فریاد بی صدا

مرد نامرد

«هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای؟ من در میان جمع و دلم جای دگر است»



(۱) در کدام عبارت تناقض وجود دارد؟

- ۱- دَلَمِ امروز چو کاه از نَفْسِ می لرزد
 - ۲- گر چو شَبَنَمِ نفسی هم نَفْسِ گُلِ بودم
 - ۳- یافت باشِکوهِ رَهِ زندگی من پایان
 - ۴- حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مَرا
- یادِ آن روز که چون کوه جگر بود مَرا
بِهَره زان وصل همان دیده ی تر بود مَرا
چون جَرَسِ ناله ی من زادِ سَفَرِ بود مَرا
این هم از بی هنری های هنر بود مَرا

(کنکور سراسری)

(۲) در کدام گزینه (Paradox) وجود دارد؟

- ۱- دوست می دارمَت به بانگِ بلند
 - ۲- ما را ز هم جدا کرد ایام وَر نه ما را
 - ۳- آتشِ سردی است که بُگدازَد درون سنگ را
 - ۴- ما و دشمن دوستی این رَسَم، رَسَمِ تازه ای است
- تا کی آهسته ونهان گفتن
با دولتِ وصالت خوش بود روزگاری
هر که را بوده است آهِ سرد می داند که چیست
وَر نه هر مو بر تنِ ایامِ دشمن، دشمن است

(کنکور سراسری)

اسلوب معادله

اسلوب = روش معادله = مساوی

تعریف لوس کتاب:

اسلوب معادله به بیته گفته می شود که « مصراع دوم » مصداقی است برای مصراع اول.

- مقیقت روزی آشکار می شود ماه پشت ابرنمی ماند

راه های شناسایی اسلوب معادله:

بین دو مصراع همانطور که بذار، آگه دو تا مصراع به همدیگه (وصل) شدن، اسلوب معادله داریم.

- بی کالی های انسان از سخن پیدا شود همانطور که پستی بی متر چون لب واکند رسوا شود

- عیب پاکان زود بر مردم هویدا می شود همانطور که موی اندر شیر خالص زود پیدا می شود

- آدمی سپر چو شد حرص جوان می گردد همانطور که خواب در وقت سحر گاه گران می گردد

۳) در کدام گزینه اسلوب معادله وجود ندارد؟

- ۱- فکر شنبه تلخ دارد جمعه ی اطفال را
 ۲- انتقام هرزه گویان را به خاموشی گذار
 ۳- فزود آتش من آب را خبر ببری
 ۴- چو غوره رست ز خامی خویش شد شیرین
- عشرت امروز بی اندیشه ی فردا خوش است
 تیغ میگوید جواب مرغ بی هنگام را
 اسیر می بردم غم ز کافرم بخیرید
 چو ماه روزه به پایان رسید عید است

(کنکور سراسری)

۴) در همه ی ابیات زیر به جز اسلوب معادله وجود دارد؟

- ۱- برو طوافِ دلی که کعبه ی مخفی است
 ۲- آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد
 ۳- دود اگر بالا نشینند کسرِ شان شعله نیست
 ۴- عیبِ پاکان زود بر مردم هویدا می شود
- که آن خلیل بنا کرده و این خدا خود ساخت
 خواب در وقت سحر گاه گران می گردد
 جای چشم آبرو نگیرد گرچه او بالاتر است
 موی آندَر شیر خالص زود پیدا می شود

(کنکور سراسری)

تشخیص

جان بخشی / شفصیت بخشییدن / تشخیص / تشخص / آدم گویی / آدم نمایی / آدم انگاری /
پرسنوفیکیشن / (personification)

اسامی لازم به مفا کردن نیستن (آدم - شفص)

درسنامه ی فودمونی:

هر موقع یک عمل انسانی رو به یک غیر انسان نسبت دهیم، تشخیص داریم

- ابرها می فندند
- آسمان می گرید

- ای دماوند
- ای بفارا

- دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی (دلا یعنی ای دل)
- درفتاااا

- کنکوروراااااااا دست از سره بردار

نکته ی انمرافی

ای گلابی (منظور دوستمه)

ای هویج (منظور دوستمه)

نکته

اضافه استعاری : شرط اول اضافه ی استعاری آن است که ترکیب اضافی باشد.

- ۱- وصفی - دست زیبا / آتش سوزان / آتش گره
 ۲- اضافی - دست روزگار / آتش عشق / آفتاب وفا

اضافه استعاری حالت الف (قسمت اول عضو بدن انسان - مربوط به شخصیت انسان)

دست روزگار / دست مرگ / میثیت مرگ (اضافه ی استعاری هست)

دست علی (استعاری نیست) / گوش علی (اضافه ی استعاری نیست)

۱) در کدام عبارت آرایه ی تشخیص مشهود نیست؟

- | | |
|--|--|
| ۱- این سر به مهر نامه بدان مهربان رسان | کس را خبر مکن که کجا می فرستمت |
| ۲- ای باد صبح بین که کجا می فرستمت | نزدیک آفتاب وفا می فرستمت (خیلی ضعیفه) |
| ۳- باد صبا دروغ زن است و تو راست گوی | آن جا به رغم باد صفا می فرستمت |
| ۴- دست هوا به رشته ی جانم گره زده است | نزد گره گشای هوا می فرستمت |

(کنکور سراسری)

۲) در همه ی ابیات به جز تشخیص وجود دارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱- به سر و قدم نمی آیی خزان گشتم نمی پُرسی | ای بهشت من! بهار من! گل رعنا ی باغ من! |
| ۲- نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل | بنال بلبل بی دل که جای فریاد است |
| ۳- عشق آمد بنشست به تخت دل ما | چون او بنشست عقل آن جا برخواست |
| ۴- سبزه ها می دمَد و آب روان می آید | ابر چون دیده ی من گریه گنان می آید |

(کنکور سراسری)

استعاره

هر تشفیصی استعارست، ولی هر استعاره ای تشفیص نیست.

(تشفیص و استعاره)

- ای دماوند

- ای بفارا

- دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی

- درفتاااا

- کنکوراااااااا دست از سره بردار

نکته ی انمرافی (فقط استعارست)

ای گلابی (منظور دوستمه)

ای هویج (منظور دوستمه)

نکته ۱ (فقط استعارست)

اگه فعل به فاعل مربوط نباشه، استعاره داریم

عشق باریده بود ← عشق مانند باران باریده بود.

شرع فزید ← شرع مانند مار فزید.

فیال می روید ← فیال مانند گیاه می روید.

(تشفیص و استعاره)

- ابرها می فندند

- آسمان می گرید

(تشمیص و استعاره)

اضافه استعاری : شرط اول اضافه ی استعاری آن است که ترکیب اضافی باشد.

- ۱- وصفی - دست زیبا / آتش سوزان / آتش گرم
 ۲- اضافی - دست روزگار / آتش عشق / آفتاب وفا

اضافه استعاری مالت الف (قسمت اول عضو بدن انسان - مربوط به شخصیت انسان)

دست روزگار / دست مرگ / میثیت مرگ (اضافه ی استعاری هست)
 دست علی (استعاری نیست) / گوش علی (اضافه ی استعاری نیست)

اضافه استعاری مالت (ب)

(اضافه استعاری)

(اضافه استعاری)

پوزه ی مرگ
 افسار سفن
 کنگره ی عرش

پوزه ی سگ
 افسار اسب
 کنگره ی قصر

* یک کلمه می تواند استعاره از چند چیز باشد یا اصلا استعاره نباشد :

چرف (استعاره از آسمان، روزگار)

ماشین بابام ۴ تا چرف داره

هنگام سفر دیده که مروارید از گونه ی مادرم جاری می شود (استعاره از اشک)
 وقتی لبفند می زند مروارید هایش نمایان می شوند (استعاره از دندان)
 فطر غواصی را به جان می فرید تا مروارید صید کند (استعاره نیست)

۱) در کدام بیت آرایه ی استعاره به کار نرفته است؟

- ۱- اگر عشق اوفتد در سینه ی سنگ به معشوقی زُند در گوهری چنگ
۲- ز شیرین کاری شیرین دلبند فرو خواندم به گوشش نکته ای چند
۳- ز سوز عشق بهتر در جهان چیست که بی او گل نخندید و ابر نگریست
۴- ز عشق آفاق را پر دود دیدم خرد را دیده خواب آلود دیدم (کنکور سراسری)

۲) در کدام گزینه همه ترکیب ها اضافه ی استعاری اند؟

- ۱- لب استخر / گل همیشه بهار / سایش بال / عطر الهام
۲- دست مهربان مرگ / درخت عزیز / گل خیال / غرفه ی بلند آسمان
۳- سینه ی کویر / آغوش خوش بختی / سقف شب / دست طبیعت
۴- پرنده ی خیال / سایه ی پرواز / زبان گویای خدا / چشمه ی موج نوازش

(کنکور سراسری)

مجاز

مجاز به کلمه ای می گن که یک معنی دیگه ای بده.

- دیروز رفتم آرایشگاه و سرم رو زدم
- وارد کلاس شدم دیدم ۱۰ هزار نفر نشستند
- مسین داداش کجایی ۴ ساعته منتظرت وایسادم

سمر الب ارسلان دیدی ز رفعت رفته برگرودون

به مرو آتاکنون در گل تن الب ارسلان بینی

(سمر مجاز از عظمت الب ارسلان)

تفاوت مجاز و استعاره:

تشابه (استعاره)

۱) مسین دندان هایت که مانند مروارید سفید است را مسواک بزَن (تشبیه)

مسین مرواریدهایت را مسواک بزَن (مروارید استعاره از دندان است)

(بین دندان و مروارید شباهت وجود دارد)

۲) ماه من بیا ماه (استعاره از معشوقه است)

(بین معشوقه و ماه شباهت وجود دارد)

عَدَم شباهت / داشتن رابطه (مجاز)

لیوان رو سرکشیدم (آب داخل لیوان)

من هر شب سعدی میخوانم (آثار سعدی)

کنایه

جمله ای که یک معنای دیگر ای بده (مواست به ضرب المثل ها هم باشه)

- میخوام ببینم فلانی چند مرده ملاجه

- فلانی دهنش بوی شیر میده

- در فانه ی پدرم روی همه بازه

تفاوت مجاز و کنایه:

مجاز به کلمه هستش که به معنای دیگر ای میده

کنایه به جمله هستش که به معنای دیگر ای میده